



جمهوریت نظام و سیاست کلی امام خمینی

سیدحسن خمینی در مراسم سی و پنجمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی، تصریح کرد: «چنانکه والد ما می فرمود، امام همواره برای خدا گام برداشت. روزی که مرحوم حاج آقا مصطفی به شهادت رسید، آن را یک لطف خفیه الهی دانست. امام در تمام لحظاتهش مصداق بارز «إِنَّ الْدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ» بود. می فرماید «قُلْ اللَّهُ تَعَالَى خُضِعَ لِعِزَّتِهِمْ»؛ بگو خدا و یا خدا ایستادگی کن و بگذار کسانی که تو را قبول ندارند، در دنیا خودشان غوطه‌ور باشند. «وای با تائید بر اینکه داستان غزه احیاء همین «قُلْ اللَّهُ تَعَالَى خُضِعَ لِعِزَّتِهِمْ» است، تصریح کرد: «این روح از بیان انقلاب اسلامی مردم ایران سرآمد گرفت و در جان ملت‌ها دمیده شد. این روح از تهران و سرزمین ایران رفت تا به انتهای غزه رسید. داستان غزه داستانی است که باید با یک چشم نسبت به او گریان بود، اما از اعماق وجود نسبت به این حادثه بزرگ افتخار کرد. «سیدحسن خمینی در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: «جمهوریت نظام اسلامی یکی از ارکان مهم در سیاست کلی امام بزرگوار ما است. امام با مردم قیام کرد، با مردم حرکت کرد و با مردم پیش رفت؛ بر دوش مردم تشییع شد و سکان حکومت خودش را در قلب مردم قرار داد و امروز پس از ۳۵ سال باز هم بر جان و روح مردم حکومت می کند.»



رابطه متقابل امام خمینی و مردم

محمد مخبر، سرپرست ریاست جمهوری در سالگرد رحلت امام خمینی با بیان اینکه امام راحل نیز همچون بسیاری دیگر از علما در تاریخ فقیه، فیلسوف، عارف، متکلم و سیاستمدار بود، تصریح کرد: «آن ویژگی‌هایی که باعث تمایز امام با دیگر علمای بزرگ در تاریخ شد، یکی باور و اعتماد عمیق به خدا و وعده‌های الهی بود؛ امام راحل به معارف اسلامی، قرآن و احادیث مسلط و به وعده‌های خدا اعتماد داشت.» مخبر همچنین با اشاره به رابطه متقابل امام و مردم در طول زندگی و پس از رحلت ایشان، گفت: «تمام این ویژگی‌ها و روابط مردم و نظام، در زمان تشییع پیکر رئیس جمهور و سردار سلیمانی مشهود بود که تمام احواد جامعه از هر قشر و طبقه‌ای حضور داشتند و ویژگی‌های خادباوری، اقتدار، صلابت، اعتقاد و توسل سردار سلیمانی و شهید رئیسی همان ویژگی‌هایی است که در زندگی امام خمینی (ره) دیده می شود.»

چهارمین روز ثبت نام داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری - حضور محمود احمدی نژاد، مقابل وزارت کشور / عکس: اینژا



یک منصب، ۸۰ کاندیدا

ریشه یابی ثبت نام فله‌ای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری

نشده است؟ تا کی این نمایش مدلینگ... را تماشا کنیم. افراد دیگری مانند فیض الله عرب‌سرخی، عباس موسایی و دیگر فعالان سیاسی نیز در این زمینه به اظهار نظر پرداخته‌اند و نوع ثبت نام فله‌ای را نشانه‌ای از «توسعه نیافتگی، تقلیل گرایسی امر سیاسی، ابتذال سیاست، بدقراگی در عرصه عمومی، کار بی‌کارتوریزهدگی مفهوم انتخابات، رشدیوبولیسیم منفی در عرصه سیاست، بی‌مسئولیتی سیاسی، غلبه ظاهرگرایی و مناسک‌گرایی و در یک کلام بحران سیاست و امر سیاسی» عنوان کرده‌اند. بانگه‌بانه نحوه ورود چهره‌های مختلف از تشکل‌های زیرمجموعه اصولگرایی و بهاری‌ها به نظر می آید که بخش قابل توجهی به قصد کاندیدای پوششی و در راستای رایزنی با سایر کاندیداها و احتمالاً سهم خواهی در صورت پیروزی آن کاندیدا آمده‌اند؛ مثلاً ثبت نام برخی نزدیکان احمدی نژاد با توجه به کاندیداتوری خود او چه توجیه دیگری می تواند داشته باشد؟ درباره کاندیدایی که از دل دولت رئیسی آمده‌اند هم تصور نبود برنامه و شوک و شتابزدگی احتمالاً موجب حضور این تعداد کاندیدا شده است و درباره بقیه طیف‌ها و چهره‌های اصولگرا هم حضور قالیباف و جلیلی دودستگی اولیه در جریان اصولگرا را تقویت می کند و احتمالاً بخش عمده این جمعیت زیاد باقیمانده در نهایت به نفع هر یک از این دو چهره از رقابت کنار می کشند. البته در کنار این تحلیل‌ها این نظر هم وجود دارد که ثبت نام‌های فله‌ای در راستای این باشد که در صورت رخصت جریان‌های سیاسی غیراصولگرا و حذف دوباره اکثریت اصلاح‌طلبان توسط شورای نگهبان از رخصت جمعیت از این حجم گسترده کاندیدای اصولگرا به عنوان ضربه‌گیر استفاده کرده و آن را توجیه کنند که با همه به یک سباق رفتار شده است. در راستای این حضور فله‌ای برای ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم گفت‌وگویی با محمد عطربانقر، معاون سیاسی حزب کارگزاران سازندگی، سیدحسن رسولی، معاون وزیر کشور دولت اصلاحات و عضو هیئت مدیره بنیاد باران و حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، استاد علوم سیاسی و نماینده ادوار مجلس، داشته‌ایم که در ادامه می آید.

آهسته، چرخاندن شناسنامه و چند فلاش دوربین... تمام! نه از برنامه منسجم می گویند، نه از اعضای مؤثر کابینه احتمالی شان. نام اینها هر چه باشد، سیاست‌ورزی و انتخابات نیست! یا محمدرضا جوادی یگانه، جامعه‌شناس چنین واکنش نشان داد: «نظام سیاسی‌ای که فعالیت حزبی را نمی پذیرد و احزاب پرطرفدار و ریشه‌دار را به راحتی منحل می کند، ناچار می شود به این نمایش ثبت نام تن دهد، که این همه جوای نام، به امید تأیید یا رد صلاحیت، مفهوم رطل سیاسی و رئیس جمهور را به سخره بگرداند. تازه جلوی ثبت نام غیرسیاسی‌ها را گرفته‌اند! همچنین عباس عدی، تحلیلگر سیاسی نیز در این زمینه افسوس خورده و نوشت: «باورکردنی نیست که ساختار ایران در این چند دهه متوجه وضعیت شوگونه ثبت نام انتخاباتی نشده و نتوانسته باشد آن را درست کند. نوعی تعمد در ادامه وجود این شیوه هست تا هم جایگاه انتخابات تنزل پیدا کند و هم توجهی برای رخصت‌ها باشد.» موضوعی که غلامحسین کر باسچی، فعال سیاسی و مدیر مسئول روزنامه هم‌میهن نیز به زبانی دیگر آن را مطرح کرده است و نوشت: «هنری بالاتر از این هست که سازوکاری برقرار کنی که اصلی ترین نماد دموکراسی را در یک کشور تبدیل کنی به یک نمایش فکاهی یا استبداد کمدی تحت عنوان ثبت نام انتخاباتی و ملت را چند روزی سرگرم کنی و کلی وقت و بودجه کشور را به بیاد دهی تا زمینه عبور از جمهوری‌ت را در اذهان عمومی فراهم کنی؟» البته این انتقاد فقط در میان اصلاح‌طلبان مطرح نبود و مصطفی میرسلیم، از چهره‌های جریان اصولگرایی نیز به این ثبت نام متعدد داوطلبان ریاست جمهوری واکنش نشان داده و نوشت: «کسانی که خود می دانند به دلیل اشکالات عملکردی صلاحیت‌شان احراز نخواهد شد، نباید با ثبت نام، برای کشور هزینه‌ساز شوند.» همچنین عباس صالحی، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات نیز به آن واکنش نشان داد و تصریح کرد: «حضور متکثر، شلوغ و فاقد برنامه نامزدها در روزهای ثبت نام انتخابات مشکل فقدان حزب و تشکل را آشکارتر می کند. پس از انقلاب، تجربه نزدیک به نیم قرن انتخابات را داریم، آیا مودر رفع این نقیصه

گروه سیاسی: رنگ پایان ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری چهارم زده شد و حال در پی شروع پروسه یک انتخابات زود هنگام، شاهد حضور پرتعداد اشخاص از جریان‌های مختلف سیاسی هستیم که خود را در قامت رئیس جمهور دیده و بر خودشان تکلیف دانستند که در این انتخابات شرکت کنند. در نگاه کلی و مقایسه‌ای آنچه در ثبت نام نهایی این دوره از انتخابات اتفاق افتاد و رقم ۸۰ نفری ثبت نام کنندگان را رقم زد، به نسبت ادوار گذشته زیاد نیست؛ البته هیچ دوره سبک و سباق به این نحو نبود که ثبت نام دومرحله‌ای باشد و ابتدا مدارک افراد بررسی و در صورت تأیید اجازه ورود به سالن اصلی برای ثبت کاندیداتوری در انتخابات داده شود؛ اما حضور فله‌ای چهره‌های شناخته شده؛ نشان از هر چه باشد، نشان از حرکت به سمت بلوغ سیاسی در کشور و بهبود روند حزب در پهنه سیاسی کشور نیست.

در انتخابات پیش رو بر اساس آمار موجود ۱۲ نفر از کاندیداها اصلاح طلب و ۱۶ نفر مستقل و ۲ نفر هم بهاری هستند و باقی ثبت نام کنندگان که جمعیتی ۵۰ نفری هستند، از جریان اصولگرا در این انتخابات وارد میدان شده‌اند. در بین آن ۱۲ نفر اصلاح طلب فقط چهار چهره بدون سابقه اجرایی و نماینده مجلس بودند که از بین آنها، دو نفر دبیرکل حزب هستند و یکی از نمایندگان زن که با ایده‌های صریح اصلاح طلبانه آمده است اما در جریان اصولگرایی این مسئله به مراتب عجیب‌تر است. این باور در میان فعالان سیاسی مطرح است که بخشی از ثبت نام کنندگان اصلاح طلب در راستای عبور از گیت شورای نگهبان و دادن فرصتی به جبهه سیاسی خودشان دست به حضور در انتخابات زده‌اند اما در جبهه اصولگرایی که با کمترین دغدغه سیاسی برای رخصت‌ها، با این تعدد به میدان آمده‌اند، بیش از آنکه نشان از تلاش در مسیر خاص و مشخصی باشد سوال برانگیز است و نشان از نوعی آشفتگی دارد. چنانچه این حضور فله‌ای طی ۵ روز انتخابات با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد؛ مثلاً سعید حجازیان، تحلیلگر سیاسی درباره این وضعیت به کنایه در حساب ایکس خود نوشت: «یک دست کت و شلوار آراسته، چند قدم

ورود ناگهانی به پروسه برگزاری انتخابات چه تاثیری بر وضعیت فعالیت تشکل‌های سیاسی داشته است؟

گاه به گاه برخی افراد تازه به درون رسیده است که سواری بر امواجی به حکومت می رسند و به کشور آسیب می رسانند و قربانی جریان خلق الساعه دیگری می شوند. در میان افرادی که ثبت نام کردند، اعضای یک طیف وارد عرصه انتخابات شدند که به رغم وجود اختلافات بر سر یک امر با هم توافق دارند، آن هم به دنبال انحصار فضای سیاسی هستند. آنها نگاه موروثی جناحی و انحصاری به عرصه سیاسی دارند و عملاً خانه نشین کردن عقاید جامعه ایران را جزو افتخارات خود می دانند. در حال حاضر اصلاح طلبان و اصولگرایان سنتی در عرصه سیاسی کشور حضور ندارند. سنتی‌ها نتوانسته‌اند یک قاعده درست و نهادهای حزبی را در جامعه شکل دهند، قربانی و خانه نشین شدند و در حال حاضر به تماشایگران افراد تازه به دوران رسیده تبدیل شدند. شاهدیم که برخی جریان‌ها در هر دوره و با اسامی جدید وارد انتخابات می شوند که این نشان دهنده فقدان اصالت آنهاست. معتقدم که باید در نامگذاری این جریان‌ها دقت کرد چرا که این نامگذاری‌ها به نوعی کلاهبرداری سیاسی تبدیل شده است. چراکه برای فرار از پاسخگویی اسم خود را تغییر می دهند؛ بنابراین این اوج کلاهبرداری سیاسی است. افرادی که به راحتی خلاف واقع می گفتند و ادعاهایی را مطرح می کردند نه تنها مشکلی را حل نکردند بلکه بر مشکلات افزودند و با همان ادعا و لبخندها دوباره در فضای سیاسی حاضر شدند به همین دلیل است که معتقدم کشور در عرصه سیاسی دچار ابتذال امر سیاسی شده و از معنای واقعی خود دور شده و افرادی هر لحظه با یک نمایش و اسامی جدید وارد عرصه می شوند.

حسن رسولی: شهادت مرحوم آقای رئیسی و خلأ قدرتی که در جایگاه نفر دوم کشور اتفاق افتاد، همه عرصه‌های مرتبط با موضوع حکمرانی را دچار یک شوک اساسی کرد. احاد



مردم، احزاب و گروه‌های سیاسی و خود مجموعه حاکمیت از این قاعده مستثنی نیستند و طبیعتاً این رویداد ناگوار وضعیتی را پیش آورد که در این شرایط همراه با عدم اطمینان در کشور، شاهد برگزاری انتخابات زود هنگام باشیم. ثبت نام داوطلبین روز گذشته به پایان رسید و باید منتظر ماند و دید که شاهد چه صحنه‌هایی خواهیم بود.



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: معتقدم روند ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری حاکی از بی‌سامانی در عرصه سیاسی کشور است. شاهدیم که چند نفر از هر جریان در این انتخابات حضور پیدا کردند. افراد مختلفی که می پنداشتند از این عرصه می توانست استفاده کنند هم ثبت نام کردند. اما در این شرایط سردرگمی مردم بیشتر شد و این آشفتگی و سردرگمی بار دیگر نشان داد که کشور به شدت نیازمند یک نظام حزبی واقعی است. تا زمانی که ما یک نظام حزبی واقعی نداریم، آشفتگی چند روز اخیر برای ثبت نام ریاست جمهوری یکی از معدود مشکلات عرصه سیاسی است. مشکلات متعدد دیگری هم در این عرصه وجود دارد؛ مانند مسئولیت‌ناپذیری و پاسخگو نبودن منتخبان ملت، عدم وجود برنامه برای اداره کشور و تداوم روند نزولی جایگاه مناسب انتخابی در ایران است. از همه این موضوعات مهم‌تر هزینه دادن کشور برای حاکمیت

با نگاه به نحوه ورود چهره‌های مختلف از تشکل‌های زیرمجموعه اصولگرایی و بهاری‌ها به نظر می آید که بخش قابل توجهی به قصد کاندیدای پوششی و در راستای رایزنی با سایر کاندیداها و احتمالاً سهم خواهی در صورت پیروزی آن کاندیدا آمده‌اند

محمد عطربانقر: پیش بینی می کنم نظام سیاسی ایران این انتخابات را با کمی تسامح و بی‌ناگهانی همدلانه برگزار می کند و متاثر از این سیاست، طبیعتاً گروه‌های سیاسی هم در



عرصه انتخابات فعال تر دست به فعالیت می زنند. چنانچه شورای نگهبان اجازه دهد که چهره‌های شاخص اصلاح طلبی در انتخابات از پالایشگاه صلاحیت عبور کنند، به نظر می رسد این رقابت جذاب خواهد شد و طبیعتاً تحت تاثیر آن عامل مؤثر و محرکی که گروه‌های سیاسی در بدنه جامعه دارند؛ می توان امیدوار بود که انتخاباتی باشد منظر رهبری که در صحبت اخیر هم روی آن تأکید کردند و گفتند علاقه مند هستند یک انتخابات پرشور برگزار شود. پرشور بودن انتخابات هم منوط به شرایط مقدماتی و تحقق مؤلفه‌های اولیه است که امیدواریم فراهم شود. پیامد فقدان ناگهانی آقای رئیسی، باعث شده که در جناح اصولگرا اوضاع آشفته شود و رقابت‌های نامزدهای انتخاباتی به شدت پر خاشاکانه دنبال می شود. به نظر می آید از این ۸۰ نفری که ثبت نام کردند، ۷۰ نفر از جناح اصولگرا باشند و بخش بزرگی از این ۷۰ نفر با رخصت‌ها از رقابت باز خواهند ماند اما از بین برخی اصول‌گرایانی که تأیید می شوند، همانطور که قبلاً هم این کار را کرده‌اند با عنوان نامزدهای پوششی و عناصر کمکی برای چهره محوری فعالیت خواهند کرد. با توجه به این موضوع، اگر فرصت رقابت برای اصلاح طلبان فراهم شود، تصور می کنم که می توانست یک انتخابات بسیار پررونقی را رقم زند.